

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Arts & Music

afgazad@gmail.com

هنر و موسیقی

بهرام رحمانی
۱۵ دسمبر ۲۰۲۱

صداهائی نو، دوباره می‌خوانند!

نگاهی به برگزاری پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید – سویدن



ویکتوریا هاوس – Viktoria hus محل دفتر جشنواره و سینما هاگا - Hagabion سینمای مرکزی جشنواره

بین‌المللی سینمای تبعید – سویدن

برای من به‌عنوان فعال حرفه‌ای عرصه‌های فرهنگی - هنری و سیاسی خبر برگزاری دوره جدید جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید – سویدن، آن‌هم در سالن‌های باز سینماها و با حضور فیزیکی تماشاگران و سوسه‌برانگیز می‌آمد. آن‌هم در دوره‌ای که همه جهان تحت تأثیر کرونا و محدودیت‌های ناشی از آن قرار گرفته‌اند. روزهایی که در واقع اکثر فعالیت‌ها و مراسم‌ها در عرصه‌های عمومی و فضاهای زندگی مردم "بسته" و "ایستا" بود. انعکاس اطلاعیه مطبوعاتی جشنواره و برگزاری برنامه‌های گسترده آن در فضاهای باز به نظر خبری دور از واقعیت می‌نمود. با این وجود به‌عنوان علاقمند دیرینه به جریان حرکت این جشنواره کنجکاو بودم تا از نزدیک چگونه‌گی برگزاری این دوره را ببینم. جدا از

شناخت دیرینه‌ام از جمع خستگی‌ناپذیر حسین مهبینی و یارانش، برای پی‌گیری مداوم‌شان در واقعیت بخشیدن به این رویداد با تمام دشواری‌ها و موانع موجود. از ۱۹۹۳ تا به امروز و با تجربه سی ساله کار برگزاری جشنواره، آن‌هم در وضعیت امروز، و در این بحبویه هول و هراس عمومی کرونائی چرائی و چگونه‌گی برگزاری آن برای من پرسش برانگیز بود.

دغدغه‌های ذهنی‌ام متوجه حفظ سلامتی و وضعیت جلسه‌های نمایش با حضور تماشاگران و سینماگران بود. تصور منطقی‌ام از اجرای برنامه‌ها در فضای کنونی کرونائی این روزها اجرای اینترنتی آن می‌توانست باشد؟ یا شاید هم حد اکثر در راستای کارکرد تبلیغاتی بیرونی! آیا تعداد محدودی از جلسه‌های نمایش فلم‌ها را با حضور انگشت شمار تماشاگران برگزار خواهند کرد؟

با چنین تصورات و تردیدهایی و با وجود مشغله‌های دیگر، با توجه به اهمیتی که کار برگزاری جشنواره برای من داشت، راهی شهر گوتنبرگ، این دومین شهر و مهمترین بندر صادراتی و کارگری سویدن شدم تا همراه با دیگر علاقمندان وفادار به جشنواره در آن شرکت کنم.

البته در طول سال‌های گذشته شانس آن را داشتم تا در برخی از دوره‌های آن شرکت کرده و از نزدیک شاهد کار سترگ این جشنواره در عرصه ارایه فلم‌های سینمای تبعید باشم.

در ابتدای ورودم به محل دیدار مهمانان جشنواره، مسئول ارتباطات آن نادر جعفری از من استقبال می‌کند. اسم من به‌عنوان روزنامه‌نگار در لیست مهمانان مطبوعاتی جشنواره ثبت شده است. او پوشه‌ای را به من می‌دهد. پوشه حاوی کتابچه وزین سی و دو صفحه‌ای تمام رنگی همراه با تصویر و توضیح برنامه‌های جشنواره و اطلاعات مربوط به فلم‌ها و ساعت‌ها و محل نمایش آن‌ها است. کتابچه به صورت وسیع در سطح شهر و مراکز فرهنگی و عمومی به رایگان توزیع شده است. پوشه علاوه بر کتابچه، و کارت خبرنگاری من حاوی نقشه و اطلاعات مربوط به محل‌های نمایش فلم‌ها، محل جلسه‌های بحث‌های آزاد - Open Forum، محل اقامت مهمانان و محل دفتر جشنواره بود.

جنب و جوش جمع برگزارکنندگان جشنواره و مهمانان آن تصورات تردیدآمیز اولیه‌ام را کنار می‌زند. از ایستائی و هول و هراس خبری نیست. همه چیز زنده و پرشور است. دکتر یونس کهوری از همکاران جشنواره مهمانان کرد را، سازندگان فلم‌های "برای آزادی" (اسم کردی و اصلی فلم) - "The End Will Be Spectacular" (۱) و "زندان یا تبعید - Prison or Exile" از فرودگاه آورده است. اما با این تفاوت که مهمانان کرد دعوت شده به جشنواره قرار بود سه نفر باشند. اما حالا اکثر گروه سازنده فلم‌ها، یعنی پنج نفرشان با اشتیاق برای شرکت در جشنواره از آلمان و ترکیه به گوتنبرگ آمده‌اند. رفقای مسئول تدارکات و هماهنگی جشنواره: نادر جعفری، اصغر رجبی و علی کلائی به دنبال چارمجویی برای اسکان مهمانان ناخوانده می‌باشند! مشکل اساسی این است که همه هتل‌های مناسب با بودجه محدود جشنواره در شهر، اشغال هستند و اطاق خالی ندارند. من هم که به زبان ترکی استانبولی آشنا هستم در ترجمه گفتگوها به آن‌ها کمک می‌کنم.

در این لحظه‌های اولیه آشنائی فرصتی پیش می‌آید که با دوستان سازنده فلم "ستاره گمشده - Lost Stars" عبدالرضا کهن روز و هومن میرفتحی که از آلمان آمده‌اند گپ کوتاهی بزنم.

همه با اشتیاق در انتظار افتتاح جشنواره هستیم. که قرار است فردا روز جمعه دوازدهم نوامبر آغاز شود. اگرچه با خبر می‌شویم که دو روز قبل از افتتاح رسمی جشنواره، یعنی روز چهارشنبه دهم نوامبر در منطقه مهم حاشیه‌نشین شهر گوتنبرگ - منطقه آنگرد - Angered با برنامه فوق‌العاده بسیار مهمی به پیشواز افتتاح جشنواره رفته‌اند. برنامه ای با

نمایش فلم "دشمنان بچه‌ها – Children of the Enemy" با حضور کارگردان فلم "گورکی مولر - Gorki Muller" و شخص اول فلم "پاتریسیو گالوز - Patricio Galvez". مرد خارجی تبار شیلیایی که دخترش به جهادست‌ها پیوسته بود و در آن‌جا نیز کشته می‌شود.



فلم دشمنان بچه‌ها و پاتریسیو گالوز- پدر بزرگ کودکان اسیر در اردوگاه "الهول" سوریه

فلم روایت مستند و بی‌واسطه تلخی از تلاش‌های رنج‌آور پاتریسیو در چنبره دیوان سالاری دولت‌ها، برای نجات هفت نوه خود از اردوگاه جهادی‌ها در سوریه و انتقال آن‌ها به سویدن است.

این برنامه با همکاری مشترک جشنواره، تاتر آنگرد و چند انجمن مهم همراه با بحث و گفتگو پیرامون مسئولیت‌های فردی و جمعی در این تراژدی برگزار شد. اساساً برگزاری جلسات نمایش فلم و برنامه‌های جشنواره در مناطق حاشیه‌نشین شهر گوتنبرگ همواره از سیاست‌های پایه‌ای جشنواره در راستای غیرمتمرکز کردن فرهنگ و هنر، به ویژه سینما بوده است.

حسین مهینی، دبیر هنری جشنواره در بخشی از سخنان افتتاحیه خود، درباره روند تدارک برنامه‌های این دوره از جشنواره و شعار محوری آن "هنوز امید" چنین آغاز کرد:

«من در تبعیدم

چون هنوز امیدوارم»

سال‌ها پیش بود که تنو "آنجلوپولوس - Theo Angelopoulos" شاعر و سینماگر بلند آوازه یونان این پیام را برای من و یارانم در جشنواره فرستاد.

در طول این نزدیک به سی سال، همین باورمندی امیدواری به آینده روشن، نیروی پیش برنده برگزاری این دوره جشنواره ما بوده است. حتی در این دوران کرونایی!

ما متأثر از کلام جادویی تنو آنجلوپولوس، با شعار محوری "هنوز امید"، کار تدارک دوره پانزدهم جشنواره را آغاز کردیم.

با توجه به مصوبات اداره بهداشت سویدن، برنامه ما برگزاری نمادین جشنواره در موعد مقرر - که به سنتی با فاصله دو ساله تبدیل شده است - در یک محدوده کوچک و به‌صورت برگزار اینترنتی آن بود. که ناگهان به‌طور غیر منتظره فضا برای برگزاری برنامه‌های عمومی باز شد. طبیعتاً این امکان مهمی برای ما بود. چراکه ما می‌توانستیم به روال عادی و در موعد دوره‌ای جشنواره را برگزار کنیم. ما از باز شدن این فضا استقبال کردیم. و با وجود محدودیت زمانی و کوتاه بودن فرصت، برای تدارک دوره جدید جشنواره بسیج شدیم تا این دوره را هم همچون دوره‌های گذشته با کیفیت

مطلوب برگزارکنیم. تدارک جشنواره با سرعت پیش می رفت ما برنامه‌های متنوع گسترده‌ای را از لحاظ موضوع‌ها و تم‌ها آماده ساخته بودیم که با ورود طالبان به کابل در ۱۵ آگوست فصل دیگری هم در تاریخ افغانستان و هم در تاریخ دوره‌ای برگزاری جشنواره ما پیش آمد.

در دوره‌های گذشته، همواره جشنواره ما، صحنه آزاد ارایه آثار سینماگران افغانستان به ویژه زنان سینماگر افغانستانی بوده است. نه تنها به مناسبت چنین رابطه ارگانیک که جشنواره ما با مقاومت آزادی‌خواهانه هنرمندان افغانستان داشت، بلکه با تراژدی که در شرف وقوع بود و زندگی هزاران انسان نجیب و شریف افغانستان را به نابودی می کشاند، نمی‌توانستیم به‌عنوان جریانی متعهد بی‌تفاوت باشیم. به خصوص در رابطه با موقعیت زنان.

در نتیجه کل برنامه‌های از پیش تعیین شده را تغییر دادیم و با مشارکت خود زنان سینماگر افغانستان برنامه‌ای را با عنوان "زنان افغانستان می‌توانند!" تنظیم کردیم. البته مجبور شدیم که تعدادی از برنامه‌ها را که تنظیم کرده بودیم حذف کنیم و بخش عمده‌ای از امکانت نمایش فلم این دوره از جشنواره را به برنامه ویژه افغانستان اختصاص دهیم."



سینما روی- Roy ، مراسم افتتاح جشنواره

برنامه افتتاح جشنواره غروب جمعه ۱۲ نوامبر ۲۰۲۱ در سینمای قدیمی و تاریخی شهر، سینما روی- Roy آغاز شد. بخش عمده مراسم افتتاحیه را برنامه فوق‌العاده افغانستان "زنان افغانستان می‌توانند!" تشکیل می‌داد. برنامه با سخنان خانم آزاده نجفی - مجری برنامه، و از شاعران و کنشگران رهائی‌خواه افغانستانی، آغاز کرد. او در سخنانش به قدرت رسیدن مجدد حکومت زن‌ستیز طالبان را سرآغاز دورانی سیاه در افغانستان به‌ویژه برای زنان و کودکان نامید. وی گفت: "امروز زنی که حامله است نمی‌تواند از خانه‌اش بیرون بیاید و به درمانگاه و بیمارستان و دکتر برود. چرا که به دستور طالبان زنان حق ندارند از خانه بیرون بیایند. و آن‌ها مجبور هستند که با آن وضع خطرناکشان در خانه بماند و ببینند چه سرنوشتی پیدا خواهند کرد."

خانم آزاده در ادامه گفت: "در تمام افغانستان فقط دو مدرسه دخترانه باز شده است و بقیه همه تعطیل هستند و دختران دانش‌آموز باید در خانه بمانند."

سخنران بعدی روزنامه‌نگاری بود که با ورود نیروهای طالبان به کابل مجبور به فرار از افغانستان شده و به سویدن پناه آورده بود. مشاهدات مسقیم او از چگونگی هجوم طالبان و سرکوب مردم به‌ویژه زنان، شهادت‌های زنده و تکان‌دهنده‌ای بود.



آزاده نجفی مجری برنامه افتتاحیه و از کنشگران رهائی‌خواه افغانستان.

سپس "رئوف سرخوش" خواننده و نوازنده افغانستان ترانه‌های "لعل بدخشان" و "سرزمین من" را اجرا کرد:

"بی‌آشیانه گشتم، خانه به خانه گشتم

بی تو همیشه با غم، شانه به شانه گشتم

عشق یگانه من، از تو نشانه من

بی تو نمک ندارد، شعر و ترانه من

سرزمین من، خسته خسته از جفائی

سرزمین من، بی‌سرود و بی‌صدائی

سرزمین من، دردمند و بی‌دوائی

سرزمین من..."

سپس آقای "کنی پترشون - Conny Pettersson" رئیس "آ. ب. اف - ABF" - اتحادیه‌های آموزشی سندیکاهای گارگران سویدن (۲)، در واقع حامی اصلی جشنواره صحبت کرد. او گفت: آ. ب. اف از این جشنواره حمایت کرده است. چرا که برگزاری چنین جشنواره‌هایی به همبستگی انسانی کمک می‌کند. نمی‌توان درباره این فستیوال سخن گفت و به تلاش‌های حسین توجه نکرد. حسین سال‌های زیادی است در این عرصه تلاش کرده و هنوز هم تلاش می‌کند. پس از این سخنرانی نوبت به مهینی و لحظه‌های افتتاح جشنواره رسید.

حسین مهینی نیز در ادامه این مراسم گفت:

"به طور سنتی ما همواره دوره‌های جشنواره را با پیامی افتتاح می‌کردیم. پیامی که محتوای آن نماد آرزوها و باورهای ما به آینده بود. آینده‌ای با جهانی دیگر، جهان آزادی و برابری انسان‌ها، جهان بدون سلطه‌گرها و سلطه‌پذیرها. برگزاری جشنواره ما، تلاشی است در راستای تحقق چنین جهانی با اتکاء به نمایش و تأثیر گذاری فیلم‌های سینماگرای تبعیدی.

اما امسال در این دوره ایده‌آل‌هایمان را در ترانه جاودانه "صداهاى نو می‌خوانند - Ska Nya Röster Sjunga" از "میکائیل ویه - Mikael Wiehe" (۳) یافته‌ایم. این ترانه جاودانه را دانش‌آموزان مدرسه "اینگرید سگراشتد Ingrid Segersted" در پردربردارى از مجسمه اینگرید سگراشتد، این زن مبارز ضدفاشیسم و ضد راسیسم در هفته قبل

خواندند. ما از دانش‌آموزان دعوت کردیم تا این ترانه را در افتتاحیه جشنواره ما هم اجرا کنند. ما امشب افتخار می‌کنیم که این جوانان با ترانه جاودانه «صداهای نو دوباره می‌خوانند» جشنواره ما را افتتاح می‌کنند." در این لحظه‌ها طنین ترانه جاودانه میکائیل ویه - Mikael Wiehe با صدای شش نفر از دانش‌آموزان همراه با نوازندگی استاد موسیقی‌شان سالن سینما را لبریز از شور و امید می‌کند:

"یک چیز قطعی است
و آن جریان زندگی است
بازگشت مجدد هر چیز
شروع دوباره همه چیز
هرچند صدای ما ضعیف و خاموش می‌شود
اما صداهائی نو، دوباره می‌خوانند
صداهائی نو، دوباره می‌خوانند

وقتی پا به سن گذاشته‌ایم
و موهای مان سپید شده است
وقتی زندگی رو به تاریکی می‌نهد
و روزهای مان سپری شده است
وقتی قامت مان خمیده است
و گام‌های مان سنگین...
آن‌گاه صداهائی نو، دوباره می‌خوانند
ترانه‌های آزادی، عدالت و صلح را
ترانه‌های خلقی که هیچ‌گاه کمر خم نخواهد کرد
ترانه‌های عشقی که هرگز خاموش نخواهد شد
آری، صداهائی نو، دوباره می‌خوانند
صداهائی نو، دوباره می‌خوانند." (۴)

و برنامه فلم شب افتتاحیه با نمایش یک مجموعه هفت قسمتی از فلم‌های کوتاه انیمیشن آغاز می‌شود. این مجموعه را دانشجویان رشته انیمیشن - سه بعدی دانشگاه غرب سویدن، براساس تم‌های برنامه‌های جشنواره، به‌عنوان پایان نامه دوره‌هایشان ساخته‌اند. این دانشجویان در سه گروه و متشکل از یازده نفر بودند. این فلم‌ها به عنوان تیزر در برنامه‌های نمایش فلم‌ها در طول جشنواره نشان داده شدند.

فلم سینمایی افغانستان "حوا- مریم - عایشه" ساخته صحرا کریمی پایان بخش برنامه شب افتتاحیه بود. در این دوره از جشنواره در مجموع ۳۰ فلم از ۱۷ کشور مختلف در پنج مرکز فرهنگی و سینما در طول یک هفته به نمایش گذاشته شد.

فلم‌های ایرانی انتخاب شده این دوره از جشنواره عبارت بودند از:

میترا - ساخته کاوه مدیری - از آلمان

فردا آزاد خواهیم شد - ساخته حسین پورسیفی - از آلمان

داخل جعبه شرودینگر - Into Schrodinger's Box ساخته نسیم نقوی و امیر گنجوی - از کانادا

دیگری در سرزمین خود - Others 'In Their Own Land _ sub _ light ساخته فرید حائری نژاد - از کانادا

بنزین خونین - ساخته رضا آزادی - از هلند

پرندگان مهاجر - Migrant Birds Fly - ساخته ارسلان برهنی - از کانادا

ستاره گمشده - ساخته عبدالرضا کهن روز - از چکسلواکی

از نکات مهم جشنواره رایگان بودن جلسه‌های نمایش فلم و برنامه‌های آن برای پناهندگان و دانش‌آموزان مدارس بود.

به گفته حسین مهینی بیش از پانزده مهمان خارجی از اروپا و کانادا مهمان جشنواره بودند و در جلسات نمایش فلم‌ها و بحث و گفتگوها شرکت داشتند.

از اتفاق‌های مهم در طول برگزاری جشنواره، حمله سایبری و خرابکاری در وبسایت جشنواره بود. این خرابکاری‌ها چندین بار تکرار شد، به خصوص در روزهای اصلی برگزاری جشنواره و کلاً بخش انگلیسی وبسایت را از مدار خارج کرده و از کار انداخت. آسیب وارده به حدی بود که از نظر فنی امکان بازسازی آن در محدوده زمانی کوتاه امکان‌پذیر نبود. حادثه‌ای که منجر به قطع ارتباطات جشنواره با خارج از جغرافیای اسکاندیناوی شد. به باور مهینی حمله‌کنندگان سایبری به سایت جشنواره، افراد، گروه‌ها و وابستگان به دستگاه‌های فکری و سیستم‌های حکومتی از جمله رژیم جمهوری اسلامی بوده‌اند که گفتگوهای آزاد فرای ایدئولوژی‌ها و فرای مرزهای نژادی و جنسیتی را حتی در اشکال بیانی هنری از جمله سینما بر نمی‌تابند و در پی سلطه دیکتاتوری، استثمار و اختناق می‌باشند.

از مشکلات دیگر این دوره پخش اطلاعات گمراه کننده از طریق رسانه‌های اجتماعی در باره تاریخ و زمان‌های نمایش فلم‌ها بود. این خرابکاری‌ها در مورد فلم‌های کردی شدت بیش‌تر و دامنه گسترده‌تری داشت.

در این جشنواره دو فلم از کردستان ترکیه و مبارزات مردم نمایش داده شد که هم کارگردان‌ها و هم دو تن از بازیگران آن در جلسات نمایش فلم شرکت داشتند.

فلم‌های سینمایی "برای آزادی" ساخته ارسین چلیک - Ersin Celik و "زندان و یا تبعید" ساخته شریف چیچک Serif Cicek از ترکیه و آلمان - در ارتباط با مبارزات مردم کرد ترکیه در این جشنواره بودند.



ارسین چلیک کارگردان فلم برای آزادی

جهت‌گیری این دو فلم علیه دولت فاشیستی ترکیه و جنگ نابرابر ارتش و پولیس ترکیه علیه مردم کرد و همچنین دفاع از آزادی و برابری انسان‌ها می‌باشد. رفتار و منش کارگردانان این فلم‌ها و همچنین بازیگران آن‌ها نشان می‌دهد که چقدر به آزادی و برابری و احترام متقابل پای‌بند هستند. بی‌تردید چنین روحیه‌ای در آثار هنرمندان و نویسندگان نیز انعکاس یافته و توجه خواننده و بیننده را به خود جلب می‌کند.

اما متأسفانه از کردهای ایرانی ساکن گوتنبرگ برای دیدن این فلم‌ها در جشنواره خبری نبود.

روز دوشنبه ۱۵ نوامبر، در سومین روز برگزاری جشنواره فلم "بنزین خونین" ساخته رضا آزادی به نمایش گذاشته شد. این فلم مستندی است در باره اعتراض‌های سراسری مردم در ایران علیه گرانی بنزین در آبان‌ماه ۱۳۹۸؛ و کشتار مردم به جان آمده از فقر توسط جمهوری اسلامی است. فلم با استفاده از اسناد تصویری مستقیم و بی‌واسطه منتشر شده در رسانه‌های اجتماعی و اسناد صوتی محرمانه نیروهای امنیتی ساخته شده است. فلم روایت تکان‌دهنده و روشنگرانه‌ای از رویدادهای خونین آبان ۱۳۹۸ می‌باشد.



رضا آزادی کارگردان فلم بنزین خونین - حسین مهینی در بحث و مصاحبه بعد از نمایش فلم

تاریخ و روز انتخاب شده برای نمایش این فلم، نشانه هشجاری سیاسی برگزارکنندگان جشنواره بود، چرا که روز نمایش فلم همزمان بود با ۲۵ آبان، سالروز این رویداد تاریخی.

پس از نمایش فلم بحث‌ها و جدل‌های گسترده‌ای میان تماشاگران، فعالان حوزه‌های مسائل حقوق بشری، منتقدین هنری و همین‌طور کارگردان فلم صورت گرفت. دامنه بحث‌ها از حدود مسئولیت‌ها در کم و کیف گزینش و کارکرد اسناد در این گونه فلم‌ها تا چگونگی پرداخت‌های سینمایی و شکل‌های بیانی این نوع آثار در کشاکش بود. گفتگوهایی که در نوع خود حساس و مسئولانه‌ای بودند.

فلم دیگری که توجه بینندگان را به خود جلب کرد فلم مستند "ستاره گمشده" ساخته عبدالرضا کهن روز بود. فلم، روایت یک سرباز ایرانی است که در جنگ ایران و عراق اسیر عراقی‌ها می‌شود.



Open Forum - جلسه بحث و گفتگوی فیلم ستاره گمشده (از راست به چپ) بهرام رحمانی، هومن میرفتاحی - شخص اصلی فیلم، عباس یوسف پور فلمساز و منتقد فیلم، عبدالرضا کهن روز کارگردان فیلم، یوهان بری استروم فلمساز - نویسنده و عضو کمیته انتخاب فیلم جشنواره، یدی شیشوانی تحلیلگر سیاسی - اجتماعی و از رهبران سیاسی چپ.

هومن میرفتاحی پنج سال از جوانی خود را در اردوگاه‌های هولناک عراق و در زیر انواع و اقسام شکنجه‌های روحی و جسمی می‌گذراند. به قول خود وی، او معتقد و باورمند به مذهب بود، اما به هنگام آزادی از اسارت ایمان خود به مذهب را از دست داده بود و از این رو جهت‌گیری او نه برای حاکمیت اسلامی ایران و نه حتی برای برخی از اسرای مذهبی - که سال‌ها در کنار هم بودند - قابل قبول نبود. سرانجام او در اثر فشارهایی که از سوی حکومت و اطرافیان در ایران با عنوان "مرتد" بر او وارد شده بود، مجبور به فرار ایران شده و پناهنده آلمان می‌شود.

فیلم دیگری که جذاب و دیدنی بود فیلم مستند "دشمنان بچه‌ها Children of the Enemy" - بود که شرح حال پدر بزرگی است که دخترش به داعش پیوسته بود و او توانست از گوتنبرگ به روزاوا برود و نوه‌های خود را از آنجا به سویدن بیاورد.

ده‌ها تن از کودکان سویدنی تبار در اردوگاه‌های تحت کنترل نیروهای سوریه دموکراتیک در مناطق شرق سوریه به سر می‌برند. در این میان اما داستان این هفت کودک سویدنی که در اردوگاه "الهول" سوریه به سر می‌برند، افکار عمومی سویدنی‌ها را به خود جلب کرد. این ۷ کودک فرزندان یکی از جنگجویان داعش به نام "مایکل اسکرومو" هستند که به داعش پیوست و در سوریه کشته شد.

این فیلم به عنوان برنامه اختتامیه جشنواره با حضور کارگردان فیلم و پدر بزرگ بچه‌ها دوباره به نمایش گذاشته شد. بعد از نمایش فیلم بحث و گفتگو و همچنین شعر خوانی و موسیقی "پاتریسیو گالوز - Patricio Galvez" پایان بخش به شدت تاثیر گزار برگزاری دوره پانزدهم جشنواره بین‌المللی سینمای تبعید - سویدن بود.



بحث و مصاحبه بعد از نمایش فیلم دشمنان بچه‌ها در مراسم اختتامیه جشنواره (از راست به چپ) - پاتریسیو گالوز - پدر بچه‌ها، گورکی مولر کارگردان فیلم، یوهان بری استروم هماهنگ‌کننده جلسه نقد و بحث، آزاده نجفی مجری برنامه.

در رابطه پرداختن و نوشتن درباره مجموعه فیلم‌های این دوره از، به خصوص فیلم‌های سینماگران ایرانی؛ که به گواهی اکثر تماشاگران و منتقدین سینمایی از آثار درخشان سینمای امروز در سطح جهان می‌باشند؛ برای من این گزارش محدود با نگاه کلی امکان‌پذیر نیست.

امیدوارم که نویسندگان سینمایی و همین‌طور همکاران مطبوعاتی جشنواره همت کنند و مقاله‌هایی در معرفی و بررسی فیلم‌ها برای به فارسی برای آگاهی ایرانیان نوشته و منتشر کنند. البته درباره فیلم‌های بسیار خوب غیرایرانی هم که خوشبختانه تعدادشان کم نبودند؛ به شماری از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنم:

سگ‌های ولگرد کلنل - The Colonel's Stray Dogs، ساخته خالد شمیس؛ از آفریقای جنوبی، لیبی و انگلستان

دیوار - Wal، ساخته سیمون بیتون؛ از فرانسه و اسرائیل

فرار کن - Flee، ساخته یونس پوهر راسموسن؛ از دانمارک

کشور کوچک - Petit Pays، ساخته ازیک باربر؛ از فرانسه و بلژیک و فردا همه جهان And Tomorrow the

Entire World، ساخته ژولیا فون هاینر؛ از آلمان ... و فیلم‌های برنامه فوق‌العاده "زنان افغانستان می‌توانند!"; البته این اشاره‌های گذرای من ادای دین به ارایه طرح جامع‌تری از فیلم‌های این جشنواره معتبر و متفاوت در این نگاه نوشتاری می‌باشد.



مراسم اختتامیه جشنواره (از راست به چپ) - پاتریسیو گالوز- پدر بزرگ بچه‌های اسیر، گورکی مولر کارگردان فیلم دشمنان بچه‌ها، حسین مهینی مدیر هنری جشنواره و آزاده نجفی مجری برنامه.

در قطار نشسته‌ام و راهی استکهلم هستم. در امتداد چشم‌اندازهای مه گرفته پنجره قطار، لحظه‌های پرشور روزهای جشنواره، همچون نوارهای صحنه‌های فیلم‌ها شتابان ظاهر می‌شوند؛ لحظه‌هایی که شادمانه در رقص نور جشنواره در امتداد چشم‌انداز پشت شیشه پنجره قطار پای‌کوبی می‌کنند. فیلم‌ها را می‌بینم، سینماگران را، تماشاگران آشنا و نا آشنا را، گفتگوهای گذری را، کنکاش‌های شبانه را که تا آستانه‌های صبح ادامه داشتند. بحث‌های بعد از جشن شبانه افتتاحیه جشنواره که تا آستانه صبح - چهارصبح - ادامه داشت و جمع را میل به گذاشتن نکته پایان به آن لحظه‌های شب‌نشینی نبود. حتی عزیز سینماگری که قرار بود طبق برنامه اعلام شده فلمش در ادامه همان سحرگاه، در ظهر آن روز، روز دوم جشنواره به نمایش گذاشته شود، اما اوهم‌چنان در پی پیاله‌های دیگر در تشنگی، نوش شیدائی حضور جمع بود.



در حاشیه جشنواره؛ برشی از بحث‌های ممتد شبانه‌های جشنواره.

... و می‌شنوم میکائیل ویه را که در پهنشست مه گرفته چشم‌اندازم؛ نوید طلایه‌داران پر از شور و امید - نسل نو را می‌دهند:

"وقتی پا به سن گذاشته‌ایم

و موهایمان سپید شده است

وقتی زندگی رو به تاریکی می‌نهد

و روزهایمان سپری شده است

وقتی قامت‌مان خمیده است

و گام‌هایمان سنگین...

آن‌گاه صداهائی نو، دوباره می‌خوانند".

شور و سرمستی؛ واقعا نمی‌توانم از حس‌های درونی‌ام از لذت و شادی‌هایم در باره این‌که توانسته بودم در برگزاری این دوره از جشنواره شرکت بکنم، پاره‌هائی را ننویسم.

... و کوتاه؛ به نظر من این جشنواره یکی از اقدام‌های مهم فرهنگی - هنری نهاده شده جمع ایرانیان در تبعید است که در این سه دهه بی‌وقفه به جریان کاری خود ادامه داده است.

آرزو می‌کنم دست‌اندرکاران این جشنواره به مدیریت حسین مهینی در سال‌های آتی نیز این جشنواره را پربارتر برگزار کنند، مگر این‌که جمهوری اسلامی ایران با قدرت مردم سرنگون گردد و بازگشت ما تبعیدیان واقعیت پیدا کند و چنین جشنواره‌ای در ابعاد گسترده‌تری در تهران برگزار شود و فلم‌سازها با فلم‌های آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه خود در این جشنواره شرکت کنند و با فضای جامعه رها شده از چنگال خونین و دوران سیاه جمهوری اسلامی آشنا گردند! به امید آن روز!

۱- در ارتباط با فلم‌ها اسامی انگلیسی آن‌ها ذکر می‌شود تا جستجوی علاقمندان برای کسب اطلاعات بیش‌تر در باره آن‌ها آسان‌تر شود.

۲- ABF اتحادیه آموزشی سندیکا‌های کارگران سویدن، بزرگ‌ترین تشکیلات آموزشی آزاد غیرحزبی در سویدن است. این اتحادیه از شصت سندیکای کارگری و انجمن‌های مردمی تشکیل شده است.

۳- میکائیل ویه - Mikael Wiehe، متولد ۱۹۴۶، خواننده، ترانه‌ساز و آهنگ‌ساز. از چهره‌های اصلی جنبش موسیقی چپ - پاپ دهه هفتاد؛ و موسیقی مترقی امروز سویدن است. میکائیل ویه در سال‌های ۱۹۸۸ و ۲۰۰ برنده جایزه معتبر جهان موسیقی "گرمی - Grammy Award" شده است. از منظر سیاسی میکائیل ویه عضو حزب کمونیست انقلابی سویدن می‌باشد.

۴- ترجمه فارسی ترانه صداهائی نو دوباره می‌خوانند از سلیمان قاسمیان.